

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مؤلفه‌های آن در دانشجویان زن دانشگاه

عصمت دانش^{*}، حسین رضابخش^۲، زهرا بهمنی^۳ و نرگس سلیمی نیا^۴

دریافت مقاله ۱۳۸۹/۱۲/۹؛ دریافت نسخه نهایی ۱۳۹۰/۵/۱۷؛ پذیرش مقاله ۱۳۹۰/۷/۲۶

چکیده

هدف: هدف از انجام این پژوهش تعیین رابطه شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مؤلفه‌های آن (مهارت، تجربه، کنترل، جذابیت، انطباق پذیری و قضاوت اخلاقی) بود. **روش:** روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. با استفاده از جدول کرجسی-مورگان (۱۹۷۰) از بین ۳۲۰۰ دانشجوی ۳۴۵ نفر از دانشجویان زن دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال تحصیلی ۱۳۸۹ به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و در گزینش آن‌ها تأهل، حداقل طول زندگی مشترک ۲ سال، و در قید حیات بودن مادر در نظر گرفته شد. ابزار پژوهش پرسشنامه عزت نفس جنسی زنان زینا و شواترز (۱۹۹۶) و شیوه‌های فرزند پروری بامریند ۱۹۷۲ بود. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد رابطه بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با مؤلفه‌های جذابیت و کنترل مثبت و با مؤلفه مهارت و تجربه منفی بود. رابطه بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه با مؤلفه‌های مهارت، تجربه و جذابیت مثبت و با مؤلفه کنترل منفی بود. رابطه بین شیوه فرزندپروری مستبدانه با کنترل و جذابیت منفی بود و با مؤلفه‌های دیگر معنی‌دار نبود. **نتیجه‌گیری:** شیوه فرزندپروری مناسب عامل مهمی در رشد عزت نفس جنسی و مؤلفه‌های آن است. از سوی دیگر عزت نفس جنسی نقش مهمی در تقویت عوامل روان‌شناختی مثل جذابیت جسمانی، احساسات، افکار و رفتار جنسی دارد که در رابطه جنسی سالم، عوامل روان‌شناختی علاوه بر هورمون‌های جنسی نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین لازم است شیوه فرزندپروری مناسب را به والدین آموزش داد، تا آن‌ها با اعمال شیوه درست فرزندپروری بتوانند عزت نفس جنسی فرزندان‌شان را ارتقاء دهند و بدین طریق از بی‌بند و باری جنسی و آشفتگی خانوادگی در زندگی آتی آنان پیشگیری نمایند.

کلید واژه‌ها: دانشجویان زن، شیوه‌های فرزند پروری، عزت نفس جنسی

Email: esmat_danesh@yahoo.com

* نویسنده مسئول، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی شخصیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۴. دانشجوی دکترای روان‌شناسی راهنمایی و مشاوره دانشگاه مالزی

مقدمه

نفس یکی از متغیرهای بنیادین برای سازگاری و همچنین یکی از مولفه‌های اصلی برای پژوهش در مورد شیوه‌های فرزندپروری و یک ویژگی فرا اخلاقی است که کنش‌وری اخلاقی از آن تأثیر می‌پذیرد. افزون بر این عزت نفس یکی از عوامل مهم رشد محسوب می‌شود که از یک سو با رفتارهای شکل گرفته در نظام خانواده (آماتو و فلور^۱، ۲۰۰۲) و از سوی دیگر با باورها و هیجان‌های مربوط به «خود» در ارتباط است (سانتروک^۲، ۲۰۰۷). به وسیله عزت نفس است که فرد می‌تواند هویت خویش را بشناسد. زیرا عزت نفس ارزشیابی کلی ما نسبت به فضایل، قابلیت‌ها، ارزش‌ها، اجزای بدنی، پاسخ‌های ما به دیگران و دیدگاهی است که نسبت به دارایی‌هایمان داریم (کازدین^۳، ۲۰۰۱). به نقل از جان بزرگی، نوری و هریس، (۱۳۸۷).

عزت نفس جنبه‌های مختلفی دارد. براندن^۴ بر اساس جنبه‌های انسان‌گرایانه، از عزت نفس به عنوان نیازی وجودی^۵ و مؤلفه برانگیزنده بنیادین رفتار انسان یاد می‌کند، که به میزان‌های مساوی، شامل ارزش‌مداری و شایستگی است. به اعتقاد او عزت نفس از دو جنبه مرتبط به هم یکی احساس خودکارآمدی شخصی و دیگری احساس ارزشمندی شخصی تشکیل شده است، که این دو جنبه باعث ایجاد اعتماد به نفس و احترام به خود می‌شود (هوبان^۶ و هوبان، ۲۰۰۴). جنبه دیگر عزت نفس، عزت نفس جنسی است که بر رفتارهای جنسی تأثیرگذار و عبارت است از واکنش عاطفی انسان نسبت به ارزیابی از افکار، احساسات و رفتارهای جنسی^۷ خودش (بث، جولین، آنتونی و میشل^۸، ۲۰۱۰).

زینا و اسپوارز^۹ (۱۹۹۶) از جمله پژوهشگرانی هستند که با بسط الگوی عزت نفس هارتر^{۱۰} (۱۹۸۴) به عزت نفس جنسی از بُعد اهمیت یادگیری اولیه، درون‌سازی خانواده، همسالان و جامعه اشاره کرده‌اند که هر شخص به عنوان ملاک ارزیابی افکار، احساسات و رفتارهای جنسی خود آن را در تحول هنجارهایش حیاتی می‌داند. به اعتقاد آن‌ها واکنش عاطفی فرد نسبت به ارزیابی‌های ذهنیش، پایه عزت نفس جنسی و پنج مولفه آن را تشکیل می‌دهد. پنج مولفه عزت

1. Amato & Fowler
2. Santrock
3. Kazdin
4. Branden
5. existential
6. Hoban
7. sexual behaviors
8. Beth, Julien, Anthony & Michael
9. Zeanah & Schwarz
10. Harter

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مؤلفه‌های آن در ...

نفس جنسی، عبارتند از: «مهارت و تجربه»^۱ یعنی توانایی لذت بردن از شریک جنسی خود؛ «جذابیت»^۲ یعنی باور داشتن زیبایی و جذابیت خود؛ «کنترل» یعنی توانایی مدیریت افکار، احساسات و رفتارهای جنسی خود؛ «قضاوت اخلاقی»^۳ یعنی توانایی ارزشیابی افکار، احساسات، رفتارهای جنسی و معیارهای اخلاقی خود؛ «انطباق پذیری»^۴ یعنی توانایی سازگاری تجارب رفتار جنسی خود با اهداف شخصی دیگران. بنابراین رفتار جنسی قسمتی از شخصیت فرد و مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها و عملکردهایی است که شخص در ارتباط با جنس مخالف و امور مرتبط با آن دارد (کاوه، ۱۳۸۷).

نتیجه پژوهش لیزاک، مارشال و هلنا^۵ (۲۰۰۶) درباره پنج مؤلفه عزت نفس جنسی به‌عنوان متغیر وابسته، و سوءاستفاده‌های جنسی، جسمی و عاطفی به‌عنوان متغیر مستقل نشان دهنده رابطه منفی بین مؤلفه‌های کنترل و قضاوت اخلاقی با سوء استفاده جنسی بود. سوء استفاده جسمی با پنج مؤلفه عزت نفس جنسی رابطه‌ای نداشت، ولی همبستگی منفی چشمگیری بین بدرفتاری روان‌شناختی با پنج مؤلفه عزت نفس جنسی مشاهده شد، به‌ویژه احساس عدم جذابیت، با عدم مدیریت افکار و احساسات ارتباط منفی بالایی داشت. پژوهش کاتلین، جسیکا، استفانی و لیندا^۶ (۲۰۰۴) در مورد عزت نفس، تنش عاطفی و رفتار جنسی در میان دختران نوجوان نشان داد داشتن تاریخچه ارتباط جنسی، به‌عنوان خط پایه، با عزت نفس و تنش عاطفی رابطه دارد. نوجوانانی که عزت نفس پایینی داشتند، زودتر فعالیت جنسی خود را آغاز کرده بودند و شرکای جنسی زیادی داشتند. پژوهش میشل، ریچارد و مونیکا^۷ (۲۰۰۶) درباره نقش واسطه‌ای عزت نفس بر «بخشش» ۷۹ زن که تاریخچه قربانی شدن داشتند، نشان داد زنانی که عواطف منفی درباره خود داشتند، بیشتر سعی می‌کردند مسئله قربانی شدن را فراموش کنند و زنانی که عواطف مثبت داشتند، متجاوز را می‌بخشیدند. این زنان دارای عزت نفس بالایی بودند.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر شخصیت، عزت نفس و رفتار کودک رابطه والد- کودک است (صالحین، ۱۳۸۲) و روابط خانوادگی به‌طور کامل و روابط بین فرزندان به‌طور خاص، اثر عمیق و پایداری در پی‌ریزی رفتارهای فردی کودک و برانگیختن روح زندگی، آرامش درونی و عزت نفس و در نتیجه بر سلامت روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی

1. skill and experience
2. attractiveness
3. moral judgment
4. adaptiveness
5. Lisak, Marsha & Helena
6. Kathleen, Jessica, Stephanie & Lind
7. Michell, Richard & Monica

کودک دارد (ویستر-استراتون وهرمانان^۱، ۲۰۰۸). از این رو نفوذ والدین تنها در جنبه ارثی خلاصه نمی‌شود و انتخاب سبک فرزندپروری مناسب می‌تواند تأثیر مهمی در شکل‌گیری عزت‌نفس داشته باشد (ماسن، گیگان، هوستون و کانجر، ۱۳۸۰). والدینی که نقاط قوت و ضعف کودکانشان را می‌پذیرند و معیارهای روشن و قابل قبولی برای آن‌ها در نظر می‌گیرند و در دستیابی به این معیارها آن‌ها را حمایت می‌کنند، باعث می‌شوند عزت‌نفس فرزندان‌شان به میزان زیادی رشد کند (کار^۲، ۲۰۰۴). بنابراین شیوه درست تربیتی والدین (مندارا و موری^۳، ۲۰۰۰)، همچنین روابط درست پدر و مادر با یکدیگر نقش بسیار مهمی در سطوح بالای عزت‌نفس فرزندان ایفا می‌کند (استینبرگ^۴، ۲۰۰۱) و بالعکس ارتباطات نادرست والدین با یکدیگر و با فرزندان نقش مهمی در ایجاد اختلال‌های جنسی ایفا می‌کند (هاوتون^۵ به نقل از پراپر، ویلفوبای، هالپرن، کارباین و کاکس^۶، ۲۰۰۷). اگر کودکان مستقیماً شاهد تعارض والدین خویش باشند، به مرور نشانه‌هایی از شرم و خجالت، آشفتگی، خودکم بینی، خود سرزنشگری، خود نازرنده سازی و سرانجام کمبود عزت‌نفس را بروز می‌دهند (فروچ، منگسدورف و مک‌هال^۷، ۲۰۰۰) و کمبود عزت‌نفس نیز با اختلال‌های روانی همچون اضطراب، هراس اجتماعی، اختلال سواس اجباری و جز آن رابطه دارد (ساندرز و تریپل^۸، ۲۰۰۳).

با توجه به تأثیر شیوه‌های فرزندپروری بر شخصیت انسان، پژوهشگران با مطالعه دیدگاه‌های والدین درباره تربیت کودک، شیوه‌های فرزندپروری را بر اساس دو بعد «پذیرندگی - پاسخ دهنده‌گی^۹»، «توقع داشتن - کنترل^{۱۰}» طبقه‌بندی و از ترکیب این دو بعد چهار شیوه فرزندپروری را معرفی کرده‌اند که عبارتند از: ۱. «کنترل بالا، محبت بالا» مربوط به والدین مقتدر^{۱۱}، ۲. «کنترل پائین، محبت بالا» مربوط به والدین سهل‌گیر^{۱۲}، ۳. «کنترل بالا، محبت پائین» مربوط به والدین مستبد^{۱۳} و ۴. «کنترل پائین، محبت پائین» مربوط به والدین مسامحه‌کار. در این میان

1. Webster-Stratton & Herman
2. Car
3. Mandara & Murray
4. Seteinerberg
5. Hawton
6. Propper, Willoughby, Halpern, Carbone & Cox
7. Forch, Mangesdorf & McHale
8. Sanders & Triple
9. acceptance- responsiveness
10. demanding- permissiveness
11. authoritative
12. permissive
13. authoritarian

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن در ...

بامریند بر سه شیوه مقتدر، سهل‌گیر و مستبد متمرکز شده است (عینی، ۱۳۸۵). با پژوهش‌های اولیه بامریند، معلوم شد فرزندپروری مقتدرانه در طول سال‌های کودکی و نوجوانی با عزت نفس زیاد، پختگی اجتماعی-اخلاقی و پیشرفت تحصیلی رابطه دارد. پژوهش‌ها نشان دادند این سبک‌ها ممکن است رفتارهای مثبت یا منفی را در کودکان افزایش یا کاهش دهند. فرزندپروری مقتدرانه با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بالاتر، اتکا به خود بیشتر، عزت نفس بالاتر، انحرافات رفتاری کمتر و روابط بهتر با همسالان مرتبط است. سبک سهل‌گیرانه با بزهکاری، پرخاشگری، رفتار جنسی زودرس و انحرافات جنسی و سبک مستبدانه نیز با پیامدهای رفتاری درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده و سطوح پایین کنش‌وری هیجانی ارتباط دارد (استینبرگ، لمبرن، دارلینگ، مونت و مورنبوش^۱، ۲۰۰۲). اعتقاد بر این است نه تنها راهبردهای فرزندپروری، بلکه نگرش‌های والدین درباره فعالیت‌های جنسی، نقش جنسیتی و روابط کلی خانوادگی در دوران بزرگسالی، بر عملکرد جنسی، نظام عقیدتی و شخصیتی که اعتبار صوری بسیار زیادی دارد تأثیرگذار خواهد بود. از طرفی این احتمال وجود دارد که عملکرد ضعیف جنسی در نتیجه عوامل دیگری مانند عزت نفس پایین و یا مهارت‌های ارتباطی ضعیف ناشی از تجارب زیان‌آور خانوادگی باشد و نتیجه مستقیم ارتباطات یا نگرش‌های ناسازگارانه خانواده نباشد (بث و همکاران، ۲۰۱۰). گرچه شواهد روشنی در دست نیست، اما منطقی به نظر می‌رسد که نگرش‌های والدین یا ارتباطات خانوادگی بتواند منجر به نگرش‌ها و عقاید ناسازگارانه شود، به-عنوان مثال شخصی که در خانواده‌ای تربیت شده است که بحث درباره فعالیت جنسی بد و به-عنوان مساله‌ای کثیف یا ممنوع در نظر گرفته می‌شود، ممکن است در دوران بزرگسالی، در نظام عقیدتی او نیز این نوع نگرش وجود داشته باشد. بنابراین چنین نگرش‌هایی احتمالاً تأثیر مهمی بر رفتار و پاسخ جنسی او خواهند داشت (کاتلین و همکاران، ۲۰۰۴).

پژوهش‌های متعددی درباره رابطه سبک‌های فرزندپروری و ویژگی‌های شخصیتی انجام شده است و رابطه منفی سبک مقتدرانه با افسردگی (دانش، تکریمی و نفیسی، ۱۳۸۶)، و رابطه مثبت سبک مقتدرانه با بلوغ عاطفی و خودپنداره (گرامی، ۱۳۸۷)، مهارت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی (طالبی مرند، ۱۳۸۵)، عزت نفس و شایستگی اجتماعی (رحمانی، ۱۳۸۳)، شکل‌گیری بهتر هویت، خودپنداره مثبت و عزت نفس بالا (نجارپوراستادی، ۱۳۸۷)، و رابطه منفی سبک‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه با متغیرهای فوق تایید شده، ولی به‌ندرت درباره نقش سبک‌های فرزندپروری بر عزت نفس جنسی مطالعه شده است. حال آن‌که رفتار و تمایلات جنسی از

مهم‌ترین نیازهای بشر است. رابطه جنسی در سطح زیستی سبب ادامه نسل و در سطح عاطفی سبب ارتباط صمیمانه، افزایش لذت و کامیابی زوجین می‌شود (اوحدی، ۱۳۸۴).

از آن‌جا که به‌نظر می‌رسد حمایت و شیوه فرزندپروری درست والدین نقش موثری در رشد عزت نفس جنسی بر عهده داشته و عزت نفس جنسی با رفتار جنسی مرتبط باشد، و از طرفی یکی از مسائل مهم در روابط زوجین به‌ویژه در سال‌های اولیه زندگی مشترک، مسائل جنسی است و به دلیل این که معمولاً در فرهنگ ما تأکید سازنده‌ای درباره مسائل جنسی وجود ندارد و پژوهشی نیز در این زمینه صورت نگرفته است، انجام پژوهش‌هایی از این دست ضروری به‌نظر می‌رسد. تا با استفاده از نتایج این پژوهش آگاهی والدین از بهترین شیوه فرزندپروری و نقش آن بر عزت نفس جنسی و آموزش مهارت‌های نحوه ارتقاء عزت نفس جنسی فرزندان‌شان افزایش یابد و بالطبع سلامت و بهزیستی خانواده‌های فعلی و آتی تأمین شود. به همین دلیل هدف از اجرای این پژوهش این بود میزان ارتباط هر یک از شیوه‌های فرزند پروری را با عزت نفس جنسی و مؤلفه‌های آن تعیین کند و به سوالات زیر پاسخ دهد.

۱. شیوه فرزندپروری مستبدانه در تعیین واریانس کدام‌یک از مؤلفه‌های عزت نفس جنسی (مهارت و تجربه، جذابیت، کنترل، انطباق پذیری و قضاوت اخلاقی) سهم بیشتری دارد؟
۲. شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه در تعیین واریانس کدام‌یک از مؤلفه‌های عزت نفس جنسی (مهارت و تجربه، جذابیت، قضاوت اخلاقی، کنترل و انطباق پذیری) سهم بیشتری دارد؟
۳. شیوه فرزند پروری مقتدرانه در تعیین واریانس کدام‌یک از مؤلفه‌های عزت نفس جنسی (مهارت و تجربه، جذابیت، قضاوت اخلاقی، کنترل و انطباق پذیری) سهم بیشتری دارد؟

روش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری ۳۲۰۰ دانشجوی زن دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در سال ۱۳۸۹ بود. با استفاده از جدول کرجسی-مورگان (۱۹۷۰) از بین آن‌ها ۳۴۵ نفر نمونه در دسترس انتخاب شد. ملاک‌های ورود آزمودنی‌ها عبارت از تأهل، حداقل طول زندگی مشترک زناشویی به مدت دو سال، در قید حیات بودن مادران آن‌ها و صداقت و علاقه آزمودنی‌ها و مادران آن‌ها به پاسخگویی به پرسشنامه‌ها بود.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند. این پرسشنامه طبق نظریه بامریند و توسط خود وی در سال ۱۹۷۲ طراحی شد و ۳۰ عبارت دارد که سه شیوه فرزندپروری را می‌سنجد.

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن در ...

مقتدرانه را با سؤال‌های ۴-۵-۸-۱۱-۱۵-۲۰-۲۲-۲۳-۲۷-۳۰، مستبدانه را با سؤال‌های ۲-۳-۶-۹-۱۲-۱۶-۱۸-۲۵-۲۶-۲۹ و سهل‌گیرانه را با سؤال‌های ۱-۶-۱۰-۱۳-۱۴-۱۷-۱۹-۲۱-۲۴-۲۸ می‌سنجد. بوری ۱۹۹۱ با بازآزمایی، پایایی^۱ آن را برای آزادگذاری مادر ۰/۷۸، استبداد مادر ۰/۶۸، اقتدار مادر ۰/۷۸، آزادگذاری پدر ۰/۷۷، استبداد پدر ۰/۸۵، اقتدار پدر ۰/۹۲ گزارش کرد. او با استفاده از روش افتراقی دربارهٔ میزان اعتبار پرسشنامه دریافت، استبداد مادر رابطه معکوسی با آزادگذاری مادر (۰/۳۸) و اقتدار منطقی مادر (۰/۴۸) و استبداد پدر رابطه معکوسی با آزادگذاری پدر (۰/۵۰) و اقتدار منطقی پدر (۰/۵۲) دارد (یوسفی فرخی، ۱۳۸۶). اسفندیاری (۱۳۷۴) با نظرخواهی از ۱۰ روان‌شناس و روان‌پزشک صاحب‌نظر، روایی^۲ محتوایی پرسشنامه را بالا، و پایایی آن را با استفاده از روش بازآزمایی به‌فاصلهٔ یک هفته برای آزادگذاری ۰/۶۹، استبدادی ۰/۷۷ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرد. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای آزادگذاری ۰/۷۶، برای استبدادی ۰/۷۹ و برای اقتدار منطقی ۰/۸۴ به دست آمد.

۲. پرسشنامه عزت نفس جنسی زنان. این پرسشنامه توسط زینا و اسپوارز (۱۹۹۶) ساخته شده و شامل ۸۱ سوال و ۵ زیر مقیاس است شامل مهارت و تجربه، سؤال‌های ۱-۶-۱۱-۱۶-۲۱-۲۶-۲۹-۳۴-۳۹-۴۴-۴۷-۵۲-۵۶-۶۰-۶۳-۶۸-۷۳-۷۸ که سؤال‌های ۱-۶-۲۹-۳۴-۴۴-۵۶-۶۸-۷۳ برعکس نمره گذاری می‌شوند؛ جذابیت، سؤال‌های ۲-۷-۱۲-۱۷-۲۲-۲۷-۳۰-۳۵-۴۰-۴۵-۴۸-۵۳-۵۷-۶۴-۶۹-۷۴-۷۹ که سؤال‌های ۷-۱۲-۱۷-۲۲-۲۷-۳۰-۳۵-۴۰-۴۵-۴۸-۵۳-۵۷-۶۴-۶۹-۷۴-۷۹ برعکس نمره گذاری می‌شوند؛ کنترل، با سؤال‌های ۳-۸-۱۳-۱۸-۲۳-۳۱-۳۶-۴۱-۴۹-۵۴-۵۸-۶۱-۶۵-۷۰-۷۵-۸۰ که سؤال‌های ۳-۸-۱۳-۱۸-۲۳-۳۱-۳۶-۴۱-۴۹-۵۴-۵۸-۷۰-۷۵ برعکس نمره گذاری می‌شوند؛ قضاوت اخلاقی، سؤال‌های ۵-۱۰-۱۵-۲۰-۲۵-۳۳-۳۸-۴۳-۴۹-۵۱-۵۵-۶۲-۶۷-۷۲-۷۶-۸۱ که سؤال‌های ۵-۱۰-۲۰-۲۵-۳۳-۴۳-۴۹-۵۱-۵۵-۶۲-۶۷-۷۲ برعکس نمره گذاری می‌شوند؛ انطباق پذیری، سؤال‌های ۴-۹-۱۴-۱۹-۲۴-۲۸-۳۲-۳۷-۴۲-۴۶-۵۰-۵۹-۶۶-۷۱-۷۷ که سؤال‌های ۴-۹-۱۴-۱۹-۲۴-۲۸-۳۲-۳۷-۴۲-۴۶-۵۰-۵۹-۶۶-۷۱-۷۷ برعکس نمره گذاری می‌شوند. این پرسشنامه عکس‌العملی عاطفی زنان را نسبت به ارزیابی‌های ذهنی شان درباره افکار و احساسات و رفتارهای جنسی اندازه‌گیری می‌کند. دامنه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) توسط سازندگان پرسشنامه از ۰/۸۵ تا ۰/۹۴ گزارش شد که حکایت از پایا بودن پرسشنامه دارد. آلفای کرونباخ زیر مقیاس جذابیت ۰/۹۴، کنترل ۰/۸۸، انطباق‌پذیری ۰/۸۵، قضاوت اخلاقی ۰/۸۵ و مهارت و تجربه ۰/۹۳ گزارش شد. برای روایی‌سازه همبستگی این پرسشنامه با مقیاس عزت نفس روزنبرگ محاسبه، و مقدار

آن برای جذابیت ۰/۵۶، کنترل ۰/۴۵، انطباق پذیری ۰/۴۵، قضاوت اخلاقی ۰/۳۸، مهارت و تجربه ۰/۴۴ و برای نمره کل ۰/۵۷ گزارش شد. روایی سازه پرسشنامه در ارتباط با تعدادی از متغیرها از قبیل تجربه جنسی، تعداد دفعات آمیزش جنسی و تعداد شریک‌های جنسی، و نیز سطح فعالیت قرارهای عاشقانه شامل تعداد قرارها و تعداد شریک‌های جنسی مورد تایید قرار گرفته است. سازندگان پرسشنامه معتقدند که دو زیر مقیاس ۱. مهارت و تجربه، و ۲. کنترل، اطلاعات بهتری در ارتباط با عزت نفس جنسی ارائه می‌دهد. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس جذابیت ۰/۹۱، کنترل ۰/۸۹، انطباق پذیری ۰/۸۵، قضاوت اخلاقی ۰/۸۲ و مهارت تجربه ۰/۸۹ و مقیاس کلی ۰/۸۸ به‌دست آمد.

شیوه اجرا. پس از تعیین حجم نمونه به تعداد ۳۴۵ نفر، دانشجویان دختري که ملاک‌های ورود به پژوهش را داشتند، انتخاب شدند. سپس دانشجویان به پرسشنامه عزت نفس جنسی و مادران آن‌ها به پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری پاسخ دادند.

یافته‌ها

از بین ۲۱۰ نفر مادری که شیوه فرزندپروری‌شان مقتدرانه بود، ۸ نفر بی‌سواد، ۲۰ نفر در سطح ابتدائی و ۲۲ نفر راهنمایی، ۸۷ نفر مدرک دیپلم، ۲۳ نفر فوق دیپلم، ۱۸ نفر کارشناسی، ۲۱ نفر کارشناسی ارشد و ۱۱ نفر دکتری داشتند. از بین ۷۹ نفر مادری که شیوه فرزند پروری‌شان سهل‌گیرانه بود؛ ۸ نفر بی‌سواد، ۱۸ نفر در سطح ابتدائی، ۴ نفر راهنمایی، ۲۳ نفر مدرک دیپلم، ۱۰ نفر فوق دیپلم، ۱۱ نفر کارشناسی و ۵ نفر کارشناسی ارشد داشتند. از بین ۵۶ نفر مادری که شیوه فرزند پروری‌شان مستبدانه بود ۱۲ نفر بی‌سواد، ۷ نفر ابتدائی، ۱۰ نفر در سطح راهنمایی، ۱۶ نفر مدرک دیپلم، ۵ نفر فوق دیپلم، ۲ نفر کارشناسی و ۴ نفر کارشناسی ارشد داشتند. تنها مادرانی که شیوه فرزند پروری آن‌ها مقتدرانه بود تحصیلات دکتری داشتند و بیشترین میزان بی‌سوادی مربوط به مادرانی با شیوه فرزند پروری آن‌ها مستبدانه بود. محدوده سنی دانشجویان بین ۲۳ تا ۳۵ سال و تحصیلات آن‌ها فوق دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد و طول زندگی مشترک‌شان حدوداً بین ۲ تا ۸ سال بود. اکثر آن‌ها یک فرزند و ۱۵٪ هم فرزندی نداشتند.

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن در ...

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمره‌های شیوه‌های فرزندپروری و عزت نفس جنسی زنان (تعداد= ۳۴۵)

میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره	
۲۳/۶۷۹	۷/۱۹۶	۴	۳۹	مقتدرانه
۱۷/۹۸۰	۸/۴۸۶	۳	۳۷	سهل‌گیرانه
۱۶/۷۶۹	۶/۸۹۳	۵	۳۷	مستبدانه
۶۸/۶۶	۱۱/۴۴	۳۶	۹۷	مهارت و تجربه
۶۰/۷۶۹	۱۴/۵۶	۲۳	۹۰	جذابیت
۵۰/۵۶۴	۱۸/۲۴	۱۸	۹۱	کنترل
۵۷/۵۱۲	۱۵/۳۰	۴	۸۹	قضاوت اخلاقی
۴۶/۲۸۲	۱۵/۸۰	۲۰	۸۵	انطباق‌پذیری

جدول ۱ نشان می‌دهد در میان مادران، میانگین شیوه فرزندپروری مقتدرانه، بالاترین میزان را دارا است و بین خرده‌مقیاس‌های عزت نفس جنسی در دختران دانشجوی آن‌ها، مهارت و تجربه دارای بالاترین میانگین و انطباق‌پذیری دارای کمترین میانگین است.

جدول ۲. خلاصه الگوی رگرسیون و تحلیل واریانس شیوه مستبدانه بر مولفه‌های عزت نفس جنسی زنان

شاخص الگو	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	R	ضریب تعیین	خطای انحراف معیار
رگرسیون	۱۸۰/۱۳۹	۵	۳۶۰/۲۶	۹/۹۷**	۰/۵۸	۰/۳۴	۶/۰۱
باقیمانده	۳۵۴۱/۵۹	۳۴۰	۳۶/۱۴				
کل	۵۳۴۲/۸۵						

** $P < 0.01$

طبق جدول ۲ فرزندپروری مستبدانه ۰/۳۴ واریانس مشترک عزت نفس جنسی زنان را پیش

بینی می‌کند.

جدول ۳. ضریب بتای شیوه مستبدانه بر خرده‌مقیاس‌های عزت نفس جنسی زنان دانشجوی

شاخص متغیر	B	خطای انحراف استاندارد	ضریب تأثیر	t
مهارت و تجربه	-۰/۰۳۷	۰/۰۶۲	-۰/۰۵۷	-۰/۵۹۲
جذابیت	-۰/۲۴۵	۰/۰۵۱	-۰/۵۰۲**	-۴/۸۴۲
کنترل	-۰/۲۰۴	۰/۰۵۴	۰/۲۱۳*	۲/۳۲۲
قضاوت اخلاقی	-۰/۰۶۶	۰/۰۶۰	-۰/۱۴۷	-۱/۱۰۹
انطباق‌پذیری	۰/۰۷۵	۰/۰۵۶	۰/۱۵۷	۱/۳۶۰

* $P < 0.05$

** $P < 0.01$

جدول ۳ معنادار بودن رابطه بین متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک و نتایج برآورد الگو و ضرایب رگرسیون را نشان می‌دهد. ضرایب تأثیر نشانگر رابطه منفی مؤلفه‌های جذابیت و کنترل با شیوه فرزندپروری مستبدانه و معنادار نبودن دیگر مؤلفه‌ها است.

جدول ۴. خلاصه الگوی رگرسیون و تحلیل واریانس شیوه سهل‌گیرانه مؤلفه‌های عزت‌نفس جنسی زنان دانشجوی

شاخص الگو	مجموع مجذورات	df	میانگین- مجذورات	F	R	ضریب تعیین	خطای انحراف معیار
رگرسیون	۱۹۱۴/۴۰	۵	۳۸۲/۸۸	۵/۷۳**	۰/۴۸	۰/۲۳	۸/۱۸
باقیمانده	۶۵۵۰/۴۴	۳۴۰	۶۶/۸۴				
کل	۸۴۶۴/۸۴						

**P<۰/۰۱

طبق جدول ۴ شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه ۰/۲۳ واریانس مشترک خرده مقیاس‌های عزت‌نفس جنسی زنان را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۵. ضریب بتای شیوه سهل‌گیرانه بر خرده مقیاس‌های عزت‌نفس جنسی زنان دانشجوی

شاخص متغیر	B	خطای انحراف استاندارد	ضریب تأثیر	t
مهارت و تجربه	۰/۲۰۱	۰/۰۸۴	۰/۲۴۵*	۲/۳۷۹
جذابیت	۰/۲۱۹	۰/۰۶۹	۰/۳۵۵**	۳/۱۸۰
کنترل	-۰/۲۴۴	۰/۰۷۴	-۰/۴۸۱**	-۳/۳۰
قضاوت اخلاقی	-۰/۰۸۷	۰/۰۸۱	-۰/۱۵۲	-۱/۰۶۴
انطباق‌پذیری	۰/۰۵۲	۰/۰۷۵	۰/۰۸۵	۰/۶۸۳

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

جدول ۵ معنادار بودن رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک و نتایج برآورد الگو و ضرایب رگرسیون را نشان می‌دهد. ضرایب تأثیر نشانگر رابطه مثبت مؤلفه‌های مهارت و تجربه و جذابیت و رابطه منفی کنترل با شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و معنادار نبودن دیگر مؤلفه‌ها است.

جدول ۶. خلاصه الگوی رگرسیون و تحلیل واریانس شیوه مقتدرانه بر عزت‌نفس جنسی زنان دانشجوی

شاخص الگو	مجموع مجذورات	df	میانگین- مجذورات	F	R	ضریب تعیین	خطای انحراف معیار
رگرسیون	۲۰۳۸/۹۷	۵	۴۰۷/۷۹	۱۳/۴۸*	۰/۶۴	۰/۴۱	۵/۵
باقیمانده	۲۹۶۴/۸۷	۳۴۰	۳۰/۲۵				
کل	۵۰۰۳/۴۳						

**P<۰/۰۱

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن در ...

بر اساس نتایج جدول ۶ سبک فرزندپروری مقتدرانه ۰/۴۱ واریانس مشترک متغیرهای مؤلفه‌های عزت نفس جنسی زنان را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۷. ضریب بتا شیوه مقتدرانه بر مقیاس‌های عزت نفس جنسی زنان دانشجو

شاخص متغیر	B	خطای انحراف استاندارد	ضریب تأثیر	t
مهارت و تجربه	-۰/۱۸	۰/۰۵۷	-۰/۲۹**	-۳/۲
جذابیت	۰/۱۷	۰/۰۴۶	۰/۲۵*	۲/۷۳
کنترل	۰/۲۴	۰/۰۵۰	۰/۹۶**	۴/۸۱
قضاوت اخلاقی	۰/۰۵	۰/۰۵۵	۰/۱۱	۰/۸۴
انطباق‌پذیری	-۰/۰۳	۰/۰۵۱	-۰/۰۶۲	-۰/۵۸

* $P < 0.05$ ** $P < 0.01$

جدول ۷ معنادار بودن رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک و نتایج برآورد الگو و ضرایب رگرسیون را نشان می‌دهد که نشانگر رابطه منفی مؤلفه مهارت و تجربه، و رابطه مثبت مؤلفه‌های کنترل و جذابیت با شیوه فرزندپروری مقتدرانه و معنادار نبودن دیگر مؤلفه‌ها است.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از نکات مهمی که در حفظ بهداشت، رفتار و عملکرد جنسی از اهمیت زیادی برخوردار است، موضوع کنترل بودن آن است. شواهد نشان می‌دهد زمانی که رفتار جنسی تحت نظارت و کنترل فرایندهای ذهنی است و احاطه لازم نسبت به آن وجود دارد، فرد از سلامت و عملکرد جنسی بهتری برخوردار است و برعکس چنانچه فرد بر رفتار جنسی خود تسلط و احاطه لازم را نداشته باشد به نحوی که عملکرد جنسی از کنترل او خارج شود، نه تنها بهداشت روانی-جنسی، بلکه همراه آن بهداشت جسمی شخص به مخاطره خواهد افتاد (کاو، ۱۳۸۷). بنابراین نظارت و کنترل داشتن بر رفتار جنسی نقش چشمگیری در سلامت روانی، جسمی و رفتار جنسی ایفا می‌کند و این امر در پرتو نظارت و نظام تربیتی درست والدین و توجه به‌جا و مناسب آن‌ها به امور جنسی فرزندان شان میسر می‌شود (سانتروک، ۲۰۰۷).

نتایج پژوهش حاضر بیانگر رابطه منفی شیوه فرزندپروری مستبدانه با دو مؤلفه جذابیت و کنترل بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت، عدم آگاهی والدین از روش‌های تربیتی مناسب و به‌کارگیری روش‌های مستبدانه و سخت‌گیرانه بدون توجه به حقوق، احساسات و عواطف فرزندان می‌تواند خشم و تنفر فرد را نسبت به خود و دیگران برانگیزد و عاملی در جهت کاهش احساس جذابیت جسمانی و عدم کنترل افکار، احساسات و رفتارهای جنسی در وی شود.

در مورد تأثیر زیانبار شیوه فرزندپروری مستبدانه بر وجوه دیگر شخصیت، پژوهش رحمتی، اعتمادی و محرابی (۱۳۸۶) نشان داد، این شیوه فرزندپروری با اختلال‌های روانی دختران نوجوان رابطه دارد و دانش‌آموزانی که بیشترین میزان افسردگی، وسواس اجباری، حساسیت در روابط متقابل، هراس، روان‌پرشی و شکایات جسمانی را داشتند دارای والدینی بی‌توجه و مستبد بودند. زینالی، وحدت و قره‌دینگه (۱۳۸۹) نیز به رابطه مثبت و مستقیم شیوه فرزند پروری مستبدانه و رابطه منفی سبک فرزند پروری مقتدرانه با استعداد اعتیاد در فرزندان دست یافتند و نتیجه گرفتند سبک والدین مقتدر، کارآمدترین سبک از نظر کاهش استعداد اعتیاد و سبک‌های والدین بی‌اعتنا و مستبدانه، ناکارآمدترین سبک از نظر افزایش استعداد اعتیاد فرزندان است.

این یافته‌ها را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که شیوه فرزندپروری مستبدانه به علت وجود مهار شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی‌ثبات و سخت‌گیرانه، سطوح نسبتاً پایینی از صمیمت عاطفی (پراپر و همکاران، ۲۰۰۷)، و نیز تعاملات خانوادگی ضعیف شامل فرزندپروری بی‌ثبات و مبتنی بر تنبیه، سرد یا طردکننده قوانین انضباطی سخت و پایدار، دلبستگی ناایمن، نظارت والدینی ناکافی و اختصاص زمان اندک به کودک و فقدان ارتباط مثبت با او (ساندرز و تریپل، ۲۰۰۳) می‌تواند به‌عنوان سبک تربیتی آسیب‌رسان، سلامتی و بهزیستی کودک را مختل کند و وی را در معرض بروز اختلال‌های روانی، اعتیاد، احساس عدم جذابیت، عدم کنترل بر جنبه‌های مختلف زندگی و کمبود عزت نفس به‌طور کلی و عزت نفس جنسی به‌طور خاص قرار دهد.

در همین رابطه پژوهش لیزاک و همکاران (۲۰۰۶) نیز همبستگی چشمگیر و منفی را بین بدرفتاری روان‌شناختی با پنج مؤلفه عزت نفس جنسی؛ و نیز بین مؤلفه‌های کنترل و قضاوت اخلاقی با سوء استفاده جنسی گزارش کردند. به ویژه در پژوهش آن‌ها احساس عدم جذابیت با عدم مدیریت افکار و احساسات ارتباط منفی بالایی داشت. از طرفی پژوهش کاتلین و همکاران (۲۰۰۴) نشان داد عزت نفس پایین و تنش عاطفی با داشتن تاریخچه ارتباط جنسی در سنین پایین - به‌عنوان خط پایه - ارتباط دارد. بدین معنی نوجوانانی که عزت نفس پایینی داشتند، زودتر فعالیت جنسی خود را شروع کرده بودند و شرکای جنسی زیادی داشتند.

بر اساس نتایج پژوهش حاضر نیز شاید بتوان عزت نفس پایین و تنش عاطفی را که پیامدهای مخربی برای سلامت فرد و جامعه دارد بیشتر ناشی از شیوه فرزندپروری مستبدانه دانست تا دو شیوه دیگر. در همین راستا پژوهش مارتینز و گارسیا^۱ (۲۰۰۷) نشان داد نمره عزت نفس نوجوانانی که والدین سهل‌گیر داشتند در پنج بعد تحصیلی، اجتماعی، عاطفی، خانوادگی و جسمی بالاتر و خودپنداره آن‌ها مثبت‌تر از نوجوانانی بود که والدین مستبد داشتند. نتایج این

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن در ...

پژوهش نشان داد شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه با مؤلفه کنترل رابطه منفی ولی با مؤلفه‌های جذابیت، مهارت و تجربه رابطه مثبت دارد. مهارت و تجربه به معنی توانایی لذت بردن از شریک جنسی است.

برای تبیین این یافته می‌توان به نظر اسپنس ۱۹۹۹ (به نقل از توزنده جانی، ۱۳۸۵) استناد کرد. وی معتقد بود که بسیاری از زن‌ها و شوهرها اطلاعات خوبی از موضوع‌ها و فنون جنسی دارند، اما مهارت کمی در کاربرد آن اطلاعات دارند. مهارت عملی شامل دو حوزه مهارت‌های تحریکی، و مهارت‌های ارتباطی است. هر فردی نیاز دارد به‌طور مناسبی خود و شریک جنسی خود را تحریک کند تا در رابطه جنسی بیشترین میزان لذت را در خود و همسر خود ایجاد کند. با توجه به نظریه فوق و مطالب مطرح شده درباره این شیوه فرزندپروری که با کمبود کنترل والدینی و بیش بود محبت مشخص می‌شود، نتیجه به‌دست آمده را می‌توان چنین تبیین کرد که حمایت و پذیرندگی والدین در این شیوه تربیتی باعث شده است فرزندان توجه و آگاهی خوبی درباره نحوه دستیابی به خواسته‌ها و نیازهایشان داشته باشند.

در تبیین رابطه منفی بین خرده مقیاس کنترل با شیوه فرزند پروری سهل‌گیرانه می‌توان به نظر بامریند ۱۹۷۲ استناد نمود که معتقد بود فرزندان والدین سهل‌گیر بسیار خام هستند و در کنترل تکنه‌های خود مشکل دارند و هنگامی که از آن‌ها خواسته شود کاری انجام دهند که با علایق زودگذر آن‌ها مخالف باشد سرکشی و نافرمانی می‌کنند (برجعی، ۱۳۸۰). بنابراین در رابطه جنسی هم نمی‌توانند کنترلی بر رفتار، افکار و احساسات جنسی‌شان داشته باشند. رابطه مثبت مؤلفه جذابیت با این شیوه فرزندپروری می‌تواند نتیجه بازخوردها و حمایت عاطفی باشد که از والدین دریافت می‌کنند. نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه شیوه فرزندپروری مقتدرانه با مؤلفه جذابیت و کنترل مثبت ولی با مولفه مهارت و تجربه منفی است. در مورد تأثیر مثبت شیوه فرزندپروری مقتدرانه بر وجوه دیگر شخصیت، رابطه منفی آن را پژوهش دانش و همکاران (۱۳۸۶) با افسردگی، رابطه مثبت آن را گرامی (۱۳۸۷) با بلوغ عاطفی و خودپنداره، طالبی مرد (۱۳۸۵) با مهارت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی، رحمانی (۱۳۸۳) با عزت نفس و شایستگی اجتماعی، نجارپوراستادی (۱۳۸۷) با شکل‌گیری بهتر هویت، خودپنداره مثبت و عزت نفس بالا، لعلی‌فاز و عسگری (۱۳۸۷) با سازگاری، چان و کور^۱ (۲۰۰۸) با افزایش اعتماد به نفس و کاهش رفتارهای پر خطر و انحرافات جنسی نوجوانان و جوانان گزارش کرده‌اند.

از آن جا که فرزندپروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری و حمایت عاطفی بالا، سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دوسویه میان کودک و والد مشخص می‌شود (ویستر-استرانون و هرمان، ۲۰۰۸)، بنابراین در این پژوهش رابطه مثبت بین مولفه کنترل و جذابیت با شیوه فرزند پروری مقتدرانه را می‌توان به توازن بین محبت و کنترل در این شیوه فرزند پروری نسبت داد که باعث رشد و کنترل افکار، احساسات و رفتار جنسی فرزندان شده است. اما رابطه منفی بین مولفه مهارت و تجربه با شیوه فرزند پروری مقتدرانه را در این پژوهش شاید بتوان به مهارت پائین افراد در کاربرد اطلاعات جنسی و یا تابوهای فرهنگی نسبت داد.

به‌عنوان نتیجه‌نهایی می‌توان گفت در کنار هورمون‌های جنسی، عوامل روان‌شناختی نیز بر عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن مثل جذابیت، مهارت و تجربه، کنترل افکار، احساسات و رفتارهای جنسی تأثیرگذار است. انتخاب شیوه فرزندپروری مناسب در تقویت احساس ارزشمندی و عزت نفس جنسی مهم است و حس ارزشمندی نقش مهمی در تقویت عوامل روان‌شناختی بازی می‌کند. از این رو پیشنهاد می‌شود این نتایج در اختیار اولیاء و مربیان قرار گیرد تا با اعمال شیوه درست فرزندپروری بتوانند عزت نفس جنسی فرزندان را ارتقاء دهند و بدین طریق از بی‌بند و باری جنسی و آشفتگی خانوادگی در زندگی آتی آنان پیشگیری کنند. مهم‌ترین محدودیت این پژوهش مسدود بودن بسیاری از پایگاه‌های اینترنتی به خاطر مطالب و مباحث جنسی و نیز محدودیت پیدا کردن دانشجویان به خاطر نوین بودن موضوع با توجه به معیارهای خاصی بود که پژوهشگران در نظر داشتند.

منابع

- اسپنس، سوزان. اچ. (۱۳۸۵). *درمان اختلالات جنسی: دیدگاه شناختی- رفتاری*. ترجمه حسن تونزده جانی، مسعود محمد، جهانشیر توکلی‌زاده و محمد دهگان‌پور. تهران: انتشارات پیک فرهنگ. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۹)
- اوحدی، بهنام. (۱۳۸۴). *تمایلات و رفتارهای جنسی طبیعی و غیر طبیعی*. تهران: انتشارات صادق هدایت.
- برجعی، احمد. (۱۳۸۰). *تحول شخصیت نوجوان*. تهران: انتشارات وراي دانش.
- جان بزرگی، مسعود، نوری، ناهید، و هریس، مژگان. (۱۳۸۷). *آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون پذیری به کودکان*. تهران: انتشارات ارجمند.
- دانش، عصمت، تک‌ریمی، زیبا، و نفیسی، غلامرضا. (۱۳۸۶). نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین در میزان افسردگی فرزندان. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*. بهار، ۱(۲): ۱۴۱-۱۲۵.

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن در ...

رحمانی، فرناز. (۱۳۸۳). *ارتباط شیوه تربیتی والدین با بهداشت روانی دانش آموزان نوجوان مدارس شهر تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی.

رحمتی، عباس.، اعتمادی، احمد.، و محرابی، شهربان. (۱۳۸۶). *مقایسه میزان اختلالات روانی دختران نوجوان با توجه به شیوه‌های فرزند پروری والدین شهرستان جیرفت*. *مجله مطالعات روان-شناختی*، زمستان، ۳(۴): ۲۳-۹.

زینالی، علی.، وحدت، رقیه.، و قره دینگه، خاور. (۱۳۸۹). *رابطه سبک‌های والدینی با استعداد اعتیاد در فرزندان*، *فصلنامه خانواده پژوهی*، پائیز، ۶(۲۳): ۳۵۳-۳۳۵.

صالحین، علی. (۱۳۸۲). *بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری پدران با شخصیت و تحصیلات آن‌ها در شهر دامغان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

طالبی مرند، شری. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با مهارت‌های اجتماعی و خودکارآمدی دانش آموزان دختر دبیرستان‌های شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء.

عینی، پروین. (۱۳۸۵). *بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری با راهبردهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی پایه دوم دبیرستان شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

کاوه، سعید. (۱۳۸۷). *بهداشت روانی رفتار جنسی*. تهران. انتشارات سخن.

گرامی، مرضیه. (۱۳۸۷). *نقش شیوه‌های فرزندپروری در خود پنداره و بلوغ اجتماعی دانش آموزان در شهرستان جاسک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

علی‌فاز، احمد.، و عسگری، عباسعلی. (۱۳۸۷). *توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک شده متغیرهای جمعیت شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز*. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۳۷: ۷۸-۷۱.

ماسن، هنری پاول.، کیگان، جروم.، هوستون، آلتا کارول.، و کانجر، جان جین وی. (۱۳۸۰). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسایی، تهران. نشر مرکز. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۸۹)

نجاریوراستادی، سعید. (۱۳۸۷). *رابطه جو عاطفی خانواده، خودپنداره، عزت نفس و پایگاه اقتصادی اجتماعی*. *اندیشه و رفتار (روان‌شناسی کاربردی)*، پاییز، ۳(۹): ۵۸-۴۹.

یوسفی فرخی، خدیجه. (۱۳۸۶). *بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری مادران با انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

- Amato, P. R., & Fowler. F. (2002). Parenting practices. Child adjustment and family diversity. *Journal of marriage and the family*, 64: 703-716.
- Beth, A.V., Julien, B., Anthony, F.B. & Michael, C.A. (2010). Psychopathy, sexual behavior and self-esteem, it's different for girls. *Journal personality and individual differences*, 48 (7): 833-838.
- Car, A. (2004). *Positive psychology: The science of happiness and human strengths*. New York: Brunner-Routledge. Ltd.
- Chan, T. W., & Koor, A. (2008). *Parenting style and youth outcome in the UK*. Department of Sociology University of Oxford.
- Forsch, C. A., Mangesdorf, S. C., & McHale, J. L. (2000). Marital behavior and security of preschooler-parent attachment relationships. *Journal of family psychology*, 14, 144-161.
- Harter, S. (1984). The perceived competence scale for children. *Child development*. 5(31): 87-97.
- Hoban, Sh., & Hoban, G. (2004). Self-esteem, self-efficacy and self-directed learning: Attempting to undo the confusion. *International journal of directed learning*. 1(2): 7-25.
- Kathleen, A. E., Jessica, B. L., Stephanie, M. & Lind, M. N. (2004). Self-esteem, emotional distress and sexual behavior among adolescent female: Inter-relationships and temporal effects. *Journal of Adolescent Health*, 38(3): 268-274.
- Kerejci, R.V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Education Psychological measurement*. 30: 607-610.
- Lisak, V., Marsha, G. R. & Helena, k. (2006). *Sexual revictimization: The Role of sexual self-esteem and dysfunctional sexual behaviors*. University of Victoria.
- Mandara, J., & Murray. C. B. (2000). Effects of parental marital status, income and family functioning on African American adolescent self-esteem. *Journal of family psychology*, 14: 475-490.
- Martinez, I., & Garcia, J. F. (2007). *Impact of Parenting Styles on Adolescents, Self-Esteem and internalization of Values in Spain*. Universidad de casilla-Ka mancha & Universided de Valencia.
- Michell, C. Richard., & Monica, J. (2006). Self-esteem moderates the response to forgiveness instructions among women with a history of victimization. *Journal of Research in personality*, 41: 408- 419.
- Propper, C., Willoughby, M., Halpern, C.T., Carbone, M.A., & Cox, M. (2007). Parenting quality, DRD4 and the prediction of externalizing and internalizing behaviors in early childhood. *Developmental Psychobiology*, 49(6):619-32.
- Sanders, M.R., & Triple, p. (2003). Positive parenting program: A population approach to promoting competent parenting. *Australian e-journal for the Advancement of Mental Health*. 2(3):1-17.
- Santrock, J. W. (2007). *A topical approach to life-span development, third Ed*. New York: McGraw-Hill.

رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت نفس جنسی و مولفه‌های آن در ...

- Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent-adolescent relationships in [20] Retrospect and Prospect. *Journal of research on adolescence*, 11: 1-19.
- Steinberg, L., Lamborn, S.D., Darling, N., Mounts, N.S., & Mornbusch, S. (2002). Over-time changes in adjustment and competence among adolescents from authoritative, authoritarian, indulgent and neglectful families. *Child Development*. 65: 754-77.
- Webster-Stratton, C., & Herman, K.C. (2008). The impact of parent behavior-management training on child depressive symptoms. *Journal of Counseling Psychology*. 55(4): 473-84
- Zeanah, P. D., & Schwarz, J. C. (1996). Reliability and validity of the sexual self-esteem inventory women. *Assessment*. 3: 1-15.

